

قال رسول الله (ص): مُدَاوَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ، وَالرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ
سازش با مردم نیمی از ایمانست و نرمش با آنان نیمی از زندگی و خوشی است.

آسیب‌شناسی زندگی

دکتر نبی صادقی

پیشرفت صنعت و توسعه زندگی ماشینیزم و کم‌رنگ شدن جنبه معنویت و ماورائی بشر در عصر حاضر انسان ماورائی و مسلط بر همه اشیاء را بقول یکی از محققین غرب گرفتار بیماری و بجای اینکه ابزار و اشیاء محکوم زندگی و اصالتها و ارزشهای اصیل زندگی شوند زندگی و مفهوم و قداست زندگی اسیر اشیاء شده و سلامتی روحی و روانی و فکری بشر را در معرض خطر جدی قرار داده است و چهره زیبا و مقدس خانواده‌ها را و در نتیجه جوامع بشری را غبار آلود و مکدر ساخته است.

پدیده‌های صنعتی گرچه برای خانواده‌ها استراحت‌هایی را بهمراه دارد اما آرامش و آرایش روانی را سلب نموده و بشر را که شدیداً به تامین نیازهای عاطفی و معنوی خود دارد به فقر عاطفه و معنوی گرفتار ساخته است.

بیماریهای روانی و اضطرابات درونی امروز بشر غرق در لذات بهره‌گیری از پدیده‌های صنعتی و تکنولوژی مدرن روز بروز فراگیرتر می‌شود تا جایی که خود محققین غرب قبول دارند زندگی ماشینیزم امروز انسانها را دچار بیماریهای استرس - دپرس و از خود بیگانگی کرده است. خانواده که محفل آرامش و تولید مثل سالم و سازنده تاریخ جامعه بشری است، کانونی نا امن برای زندگی شده و حتی در اثر دست دادن اصالت زندگی و قداست زوجیت نسل آینده را هم تهدید می‌کند.

جنازه اخلاق و رفتار انسانی و محبت و عشق مقدس و صادقانه خانوادگی در غرب در قبرستان ماده‌پرستی مدفون شده است و شیرازه خانواده‌ها در شرف از هم گسستن است به حدی که خود متولیان فرهنگ سکسوالیسم فرویدیسم را دچار نگرانی کرده است.

بحث طلاق در غرب مطرح نیست و روش جدائی دلخواهی و متنوع‌طلبی بدون معیار و قانون بر خانواده‌ها حکومت می‌کند و مسائلی در زندگی اجتماعی بسیاری از غرب حاکم است که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنها شرم دارد و سخیف‌بارتر اینکه این فضاقت را تمدن هم می‌نامند.

از طرفی توسعه ارتباطات ماهواره‌ای و وسائل ارتباط جمعی و اینترنتی و... که روز بروز توسعه می‌یابد این انحرافات را صادر می‌کند و در این صادرات هم تا حدی غرب موفق بوده است و این آفات در حال فراگیری و اپیدمی شدن است و حتی به کشورهای اسلامی هم سرایت کرده و روز بروز پررنگ‌تر می‌شود و احیاناً در بعضی از جوامع در حال توسعه پررنگ‌تر و زشت‌تر از غرب بروز و ظهور دارد.

متأسفانه به علت، همین توسعه، ارتباطات مدرن و مرز ناشناس، کشور اسلامی ما را هم تهدید می‌کند و چهره زندگی جسمی ما را تحت تاثیر خود قرار داده است.

فرهنگ ازدواج اسلامی رنگ مقدس خود را باخته است. آمار طلاق و ناسازگاریهای زندگی خانوادگی، تقلیل آمار ازدواج و سیر صعودی آمار دختران و پسران مجرد و بالا رفتن سن ازدواج همه این مصیبتها زنگ‌های خطری هستند که در بیخ گوش ما به صدا در آمده‌اند که ثقل سامعه نمی‌گذارد آنها را بشنویم یا اگر می‌شنویم تدبیری جدی اندیشیده نمی‌شود و یا اگر می‌خواهیم تدبیری بیاندیشیم عوامل پیشرفت ناتوان می‌باشد.

عشق زوجین به یکدیگر در بسیاری از خانواده‌ها رو به افول است و بسیاری از خانواده‌ها گرچه در زیر یک سقف با هم زندگی می‌کنند و در جمع هم هستند اما با هم نیستند و احتیاجات زندگی یا عوامل دیگری غیر از عشق مقدس و بی‌شائبه زوجیت آنها را در کنار هم قرار داده است چرا؟ سؤال: آیا طبیعت ازدواج، ناسازگاری، اختلاف و تنش است؟ هرگز. رسول اکرم (ص) ازدواج را سنت خود می‌داند. و می‌فرماید دوست داشتنی‌ترین ساختمان نزد خداوند متعال بنای خانواده است و در قرآن مجید آیه ۲۱ سوره روم نتیجه ازدواج را (لتسکونوا الیها) می‌داند که زوجین در کنار هم بیارمند.

روان‌شناسان ازدواج را موجب آرامش و تعادل شخصیت زوجین می‌داند و معتقدند احساس آرامش دو همسر در کنار هم ریشه روانی دارد.

حال این سؤال پیش می‌آید. اگر چنین است که چنین است. چرا چنین شده است؟ قبول داریم که فرهنگ مبتذل غرب در خانواده‌ها تاثیر خود را گذاشته است. و باز می‌پذیریم که تعداد کمی از ازواجها به علت تحمیلی بودن، ناسازگاریهایی را به‌همراه دارند اما اکثریت

خانواده‌های نا بسامان و آسیب‌پذیر معلول ندانستن آئین و هنر و وظیفه همسر داری است یا از طرف شوهر و یا زوجه و یا هر دوی آنها. آسیب‌شناسی خانواده مشکل اساسی است و متأسفانه خانواده‌ها و فرهنگ جمعی ما هم به عنوان پیش‌گیری به جوانان دختر و پسر قبل از ازدواج آسیب‌های خانوادگی را نمی‌آموزند و آنها را از نظر آگاهی به آئین همسر داری آماده نمی‌سازند. در بررسی‌های کتابی و میدانی که در اثر مسافرت‌های ممتد به همه نقاط ایران داشته‌ام و در جلسات آموزش خانواده برنامه داشته‌ام و در اثر مشاوره خانواده‌ها در سالهای متعددی باین نتیجه رسیده‌ام که ندانم کاری‌ها و آسیب‌شناسی‌ها مشکل اساسی است چه در ابتداء ازدواج و انتخاب همسر و چه در ادامه زندگی مشترک و این آسیبها شاید بیش از پنجاه آسیب باشند و حتی آسیبه‌ها به ظاهر نا چیز و غیر قابل اعتنائی داریم که اثر تخریبی آنها بسیار قوی است. بنابراین زن و مرد ضروری است این آسیبه‌ها را بشناسند و نگذارند وارد کانون مقدس و با صفای خانوادشان بشود و اگر احیاناً وارد شدند راه مقابله را بدانند تا کارائی نداشته باشند. نگارنده در این مختصر نوشتار نمی‌توانم و نمی‌شود همه این آسیبه‌ها را توضیح دهم اما به مصداق ما لا یدرک کله لا یترک کله. تعدادی از این آسیبه‌ها را تشریح می‌کنم البته سعی خواهم کرد آسیبه‌های پر خطر و متولد آسیبه‌های دیگر را بیان کنم یعنی آسیبه‌هایی که ریشه و اساس آسیبه‌های دیگر هستند.

آسیبه‌های خوشبختی زندگی

۱- آیا زندگی مرفه و خوب داشتن شرط اساسی خوب زندگی کردن است؟ آیا لوازم مدرن و لوکس، زندگی را می‌سازد یا فکر و اندیشه سالم و عشق و صفای دو همسر؟
دقت کنید نمی‌خواهم بگویم ابزار و وسائل ضروری زندگی لزوم نیست هرگز بلکه عرض می‌کنم زندگی را فدای ابزار زندگی نکنیم و دل بستن به لوازمی که امروزه زرق و برق زندگی شده‌اند دین و دل ما را نربایند و بآنها اصالت ندهیم تا جائی که نبودشان چهره زندگی با صفای دو همسر را پائیزی کنند. زندگی زوجین، عشق و صفا لازم دارد و مُد پرستی و عشق به لوازم دلم می‌خواد، عشق آفرین نیست. بلکه نهال عشق و محبت را خشک می‌نماید امام هفتم (ع) در تحف العقول می‌فرماید:

اگر به آنچه که تو را کفایت می‌کند راضی و قانع شدی به حداقل زندگی راضی و مسروری، اما اگر به کفایت راضی نشدی همه دنیا تو را راضی نمی‌کند.

برنامه دلم می‌خواد تا لازم دارم، دوست دارم تا ضرورت معقول دارد، متفاوت است. در بسیاری از خانواده‌ها برای خرید لوازم و تهیه فرم زندگی که اصلاً ضرورتی ندارد کار به جدال و

ناسازگاری می‌کشد پس اگر فرهنگ (زندگی را فدای ابزار زندگی کردن) بر زندگی ما حاکم شد صفا و صمیمیت و همزیستی با صفا از در دیگر خارج می‌شود و آفت بزرگی است آفتی که همه را فدای ابزار می‌نماید.

۲- ناخواسته همسر خود را دشمن خود نکنیم؛ امیر المؤمنین علی (ع) در حکمت ۳۰۱ نهج البلاغه می‌فرماید:

دوستان شما سه دسته هستند و دشمنانتان هم سه دسته اما دوستان - دوست شما - و رفیق دوست شما و دشمن دشمن شما. و اما دشمنانت - دشمن شما - دشمن رفیق شما - و دوست دشمن شما. از طرف دیگر روان‌شناسان و عقل و تجربه، گویای این حقیقت‌اند که ناسازگاری شوهر با خانواده زوجه و بالعکس اثرات سوئی بر روابط زوجین دارد و صفای زندگی تیره و تار می‌کند و چه بسا مرز جبات جدائی را هم فراهم کند چرا؟ معلوم است. دشمنی شوهر با خانواده زن و اهانت‌های غیر مستقیم، دشمنی و اهانت به همسر است. یعنی شوهر ناخواسته خود را دشمن همسر خود می‌کند. زیرا به صورت (دشمن دوست) زن عمل می‌کند. زن و زوجه به خانواده‌اش علاقه دارد و موقعی دوستان نسبی او که در درجه اول والدین و برادر و خواهر او هستند مورد اهانت و دشمنی شوهرش قرار گرفت شوهر را دشمن دوستان خود می‌داند و در نتیجه دشمن خود. نمی‌شود شوهری اظهار محبت و عشق بزنی و همسر خویش کند اما به خانواده او در ستیز و اهانت کردن باشد و انتظار داشته باشد این همسری که خانواده او را دشمن است به او عشق بورزد همچنین زوجه و همسر زن هم باید باین اصل توجه کند که دشمنی با خانواده شوهر، غیر مستقیم دشمنی با خود شوهر است و سوزاندن نهال محبت و صمیمیت و لذا زوجین باید در ایجاد رابطه حسنه با خانواده همسر خود هنر مند باشند و حتی اگر خانواده همسری به علت معقولی صلاحیت روابط حسنه ندارند، باز هم از اهانت و دشمنی باید پرهیز کرد و می‌شود معاشرت را با تدبیر تنظیم نمود که رسول اکرم (ص) فرمود: «اذا اراد الله بعید خیراً الهمه التذییر». زمانی که خداوند متعال اراده می‌کند به بنده‌ای، خیر عنایت فرماید، تدبیر را به او عنایت و الهام می‌فرماید.

۳- شناخت نقطه عصبی همسر

هر انسانی نسبت به یکی دو تا از صفات و خصوصیات بسیار حساس است و نسبت بآنها یا عشق و یا نفرت شدید دارد که نسبت به دیگر صفات ندارد.

زن و مرد و زوجین باید این نقطه عصبی همسر خود را بشناسند و آن را جریحه دار نکنند تا عشق به نفرت و کدورت تبدیل نشود گرچه این اصل در روابط اجتماعی و حتی رابطه بین رئیس

و مرئوس در ادارات هم جاری و ساری است، اما بحث ما خانواده است و لذا در مورد همسران اشاره می‌کنیم.

این حساسیت تنها در صفات اخلاقی به معنی اصطلاحی دیده نمی‌شود. بلکه در عادات و رفتارها هم وجود دارد مثلاً دیده شده که بین زن و شوهری اختلاف بالا گرفته پس از مشاوره و ریشه‌یابی معلوم شده که شوهر نسبت به جمع و جور بودن محیط خانه حساسیت افراطی داشته و موقعی که وارد خانه می‌شود مثلاً چادر نمازی وسط خانه افتاده می‌بیند، دعوآراه می‌اندازد. یا زنی بسیار حساس است که شوهرش از دست پخت‌از تعریف کند و او را بستايد اینها به ظاهر مسائل کوچکی هستند اما در ایجاد عشق و نفرت همسران نسبت به یکدیگر نقش مهمی را بازی می‌کنند و دو همسر باید دقت کنند نقطه عصبی همسر خود را بشناسند و آن را تحریک نکنند.

در روابط خانواده‌های دو همسر هم این مسئله نقش مثبت و منفی را دارد مثلاً زوجه‌ای از میان اعضاء خانواده‌اش نسبت به مادرش محبت و حساسیت خاصی دارد و شوهر بی‌تدبیر گاه گاهی بدی مادر او را بگوید. این زوجه از این شوهر نفرت پیدا می‌کند. فراموش نمی‌کنم در یکی از شهرستانها زن و شوهری اختلاف شدیدی داشتند در حدی که زن برای جدائی تصمیم گرفته بود. در بررسی‌ها هیچ مشکلی که اختلاف را تا جدائی بالا ببرد، کشف نشد از زوجه سؤال کردم که در زندگی شما مشکلی که تا این حد باشد مشاهده نمی‌شود، زن قبول کرد ولی یکدفعه با هیجان گفت من به مادرم علاقه شدیدی دارم کوچک‌ترین توهین و بی‌احترامی به او، آن چنان مرا هیجانی می‌کند که صبرم را از دست می‌دهم و از توهین‌کننده متنفر می‌شوم. و شوهر من نسبت به مادرم رعایت احترام را نمی‌کند. و عکس آن هم دیده شده است بنابراین شناخت نقاط حساس علاقه‌ها و خلیقات همسر بسیار مهم است که ناشیانه کانون خانواده را غبار آلود نکنیم و در روان‌شناسی هم باین مسئله توجه شده و می‌گویند نقطه عصبی همسر با بشناسید و آن را هیجانی نکنید.

۴- در اختلاف سلیقه قصد غلبه نداشته باشیم

زن و شوهر هر چند با هم خوب باشند گاه گاهی ممکن است اختلاف سلیقه‌ای آنها را دچار مجادله و منازعه کند سعی شود هر کدام بر غلبه بر دیگری فکر نکنند و لجبازی هم نداشته باشند. اگر یکی از آنها درست می‌گوید دیگری تسلیم شود و در حال دوستی و صمیمیت اختلاف را حل کنند. در اختلاف لجبازی و قصد غلبه داشتن نه تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه ممکن است مشکلاتی متعدد از این لجبازی متولد گردد در مشاوره‌های بین دو همسر جدالی رخ داده بود بعد از مشاوره معلوم شد که دعوآسر رنگ پرده است. همسری رنگ آبی و همسر دیگر کرم می‌پسندد و

هر کدام روی سلیقه خود اصرار و تا حد دعوا پیش رفته بودند. این جانب موقعی متوجه شدم هر کدام شدیداً روی دنده لجبازی حرکت می‌کنند و قصد غلبه دارند راهی را پیشنهاد کردم و قضیه حل شد. گفتم نظر هر دوی شما محترم و قابل حل است. پارچه‌هایی در بازار هست که یا متن آنها کرم و گل‌هایشان آبی است یا بالعکس. از این پارچه‌ها بخرید تا سلیقه هر دوی شما عملی شود. شما را بخدا فکر کنید اگر زن و شوهری به قداست این سنت الهی متوجه باشند سلیقه رنگ پرده بین آنها منازعه و اختلاف ایجاد می‌کند؟

۵- در ارزیابی همسران به نقاط مثبت آنها توجه کنیم و منفی بین نباشیم که آفت است. هیچ انسانی غیر از معصومین علیهم السلام، بدون نارسائی‌های اخلاقی و سلیقه‌ای نیست. در زندگی همه افراد نقطه‌های مثبت و منفی وجود دارد. در دو همسر هم نقطه‌های مثبت و منفی دیده می‌شود آیا در ارزیابی افراد و همسر از همسر هم‌ماش باید به نقاط منفی توجه کرد و نقاط مثبت را نادیده گرفت؟ اگر چنین باشد کلیه روابط انسانها از جمله همسران، تیره و نفرت‌انگیز خواهد شد. می‌گویند حضرت عیسی (ع) با عده‌ای از حواریون در بیابانی عبور می‌کردند. برخوردند به جسد حیوان مرده‌ای که متعفن شده بود. حواریون بینی خود را گرفته با سرعت عبور کردند. حضرت به آنها فرمود، نگاهی هم به دندانهای سفید و زیبای آن هم بکنید. در جهان بینی هم انسان باید جامع‌نگر باشد تا به نوحید برسد. بنابراین سعی کنیم در ارزیابی همسر دیدگاه و ارزیابی خود را تنها روی نقاط منفی او قرار ندهیم و قضاوت کنیم بلکه جامع‌نگر باشیم و مجموعه شخصیت او را مورد ارزیابی قرار دهیم و عشق و یا نفرت را ابراز نمائیم اگر مثلاً ۱۰ خوبی دارد و ۵ صفت منفی، روی ۱۰ صفت تکیه کنیم تا همسر در ارزیابی ما منفور نشود البته با رعایت دو شرط اساسی. یک شرط اینکه نقاط منفی از مبانی دینی و عقیدتی و اخلاقی دینی نباشد مثلاً شوهری نقاط مثبت زیادی دارد اما تقوی ندارد و مرز حلال و حرام را نمی‌شناسد و رعایت نمی‌کند آیا انسانی فاقد تقوی می‌خواهد ادعای صفت مثبت کند؟ و انسان مشرک و منکر اصول اساسی اسلام دارای نقاط مثبت است؟ هرگز بنابراین در ارزیابی موقعی به نقاط منفی تکیه نباید کرد که آن نقاط منفی از اصول اساسی اعتقاد توحیدی و اسلامی نباشد. یا مثلاً همسر زن (زوجه) صفات مثبت زیادی دارد اما عفت به مفهوم عام ندارد. مرز محرم و نامحرم را نمی‌شناسد و اعتقاد باین مرز ندارد و یا در اصول اساسی و اعتقادی الهی و دینی منکر است در اینجا اصلاً بحث نقاط مثبت و منفی مطرح نیست بهرحال غیر این مسائل ریشه‌ای اعتقادی و دینی در ارزیابی سلیقه‌ها و رفتارها و صفات باید به نقاط مثبت بیشتر توجه کنیم تا منفی که رشته بحث نازک نشود. البته در ارشاد و هدایت

معقول برای زدودن منفی‌ها هم نباید غفلت کرد و دوم اینکه صفت منفی به اعتبار و شرافت اجتماعی انسان لطمه وارد نسازد و تفاضل آن به شخصیت و شرف انسانی لطمه نزند.

۶- هنگام ورود شوهر به خانه و وظائف دو همسر

زندگی، فراز و نشیب و راحتی و رنج دارد و شوهر بیشتر در معرض این فشارها قرار دارد. هنر وارد شدن شوهر به خانه و نحوه استقبال زن از شوهر در تحکیم مبانی خانواده و ماندگار بودن الفت و محبت بسیار مهم است.

شوهر سعی کند موقعی که وارد منزل می‌شود نگرانیها، چهره عبوس - و بد خلقی حاصله از امور کاری خود را فراموش کند و با چهره باز و گشاده بر خانواده وارد شود و با احوال‌پرسی و تشکر از زحمات همسر در اداره خانه تشکر کند، تا خستگی زن بر طرف شود. زن و بچه‌های خانه نیاز دارند که شوهر و پدرشان با چهره باز وارد خانه شود و پیام آور شادی و نشاط باشد گرچه در درون نگرانی‌هایی داشته باشد که مولا علی (ع) فرمود چهره باز ریسمان محبت و مودت است. از آن طرف رسول اکرم اسلام (ص) توصیه‌هایی به زوجه (زن) هم دارد و می‌فرماید:

زن موقع ورود شوهرش به خانه چند وظیفه دارد:

یکی آن‌که با هیئت حسنه یعنی قبل از ورود شوهر به خانه، خود را آراسته کند. جاذبه ظاهری بخود بدهد و به استقبال شوهر برود تا شوهر خسته با دیدن ظاهر آراسته همسر لذت را احساس کند. دیگر آن‌که با کلام دلنشین، سلام، خوش آمدی، انشاء الله موفق بودی، چه میل داری آری با چنین برخوردهائی به استقبال ورود شوهر برود. اما اگر این حالات از همسران ظاهر نشود و بجای آن شوهر با عصبانیت و بد خلقی و بهانه‌جویی وارد شده و خانم هم با ظاهری ژولیده و بهم ریخته و قیافه‌ای بی‌اعتنا و اخلاقی طلبکارانه و ایرادگیرانه با شوهر خسته، برخورد کرد جانی برای عشق و محبت نمی‌ماند و آفتی بزرگ این خانواده را دچار بیماری اخلاقی می‌کند و متأسفانه این اخلاق حسنه در خانواده‌ها رونق ندارد و بیشتر زن‌ها و مردها به این صفت مودت‌بخش توجه نمی‌نمایند.

۷- بی‌توجهی همسران به نظافت ظاهری خود

انسان بطور غریزی از دیدن زیبایی لذت می‌برد و لذا رسول اکرم اسلام (ص) در این مورد به زوجین توصیه می‌فرماید که رعایت نظافت و آراستگی دو طرفه را بنمایند در مورد آرایش زن فقط برای شوهرش تاکید می‌فرماید تا شوهر بهره‌مند شود و رشته محبت مستحکم گردد. در تاریخ می‌خوانیم که زنی خدمت رسول الله (ص) رسید و عرض کرد شما در مورد آرایش زن برای شوهر تاکید دارید اما شوهر من کور است و قوه بینائی اصلاً ندارد باز هم آرایش کنم؟ فرمود بلی

متتهی شما خودت را برای شوهرت خوش بو کن تا از طریق شامه از مصاحبت با شما بهره مند گردد. و به مردها هم توصیه می‌فرماید که در مرتب کردن ظاهر خود دقت کنند تا ظاهری آراسته و مرتب و خوشبو داشته باشند حال اگر این آراستگی و نظافت ظاهری یک طرفه باشد آفت محسوب می‌شود و در خیلی از مشاوره‌های شهرستانها به این ناراحتی و گله‌های یک طرفه برخورد کرده‌ام و خیلی از مردها از زن مطالبه آرایش دارند اما خودشان از نظر آراستگی و خوشبو بودن بی‌توجه بوده و گوئی زن ذوفی و شامه ندارد. به هر حال اگر خانم خانه در بیرون از خانه آراسته باشد ولی با آرایش و آراستگی برای شوهر که مورد تاکید اسلام است توجه نکند اولاً زمینه چشم چرانی را در مردها به وجود می‌آورد، زیرا مرد آنچه در منزل می‌بیند ژولیده و آنچه در بیرون و معابر مشاهده می‌کند پر جاذبه، ثانیاً این روش ناپسند و خلاف اسلام تدریجاً در اثر همین چشم چرانی و لذات بیرونی، زمینه بی‌مهری شوهر را نسبت به همسر خود فراهم می‌سازد و مشکل آفرین است. بنابراین همسران، بخصوص خانمها باید بدانند که آراستگی ظاهر بخصوص در زنان برای شوهران خود (فقط) در ایجاد محبت خانواده نقش دارد و بی‌توجهی بآن آفتی زیانبار است.

۸- زندگی بر اساس دل‌خواستنی‌ها یا مصلحت‌ها

انسان همه چیز می‌بیند و بخصوص با پیشرفت صفت و سائل و لوازم زندگی متنوع هر روز عرضه می‌شود و ما مشاهده می‌کنیم آیا باید جذب این دیدنیها بشویم و گرفتار بیماری رقابت و چشم و هم چشمی گردیم یا مشاهدات ما از هدایت و پشتوانه عقل و فکر برخوردار باشد؟ اگر بر زندگی دوست دارم و دیگران دارند من هم باید داشته باشم حاکم باشد، زندگی دوام نخواهد داشت و آفت بزرگی است. می‌دانیم قدرت خرید و تهیه امکانات همه مردم یکسان نیست. یکی برای زندگی معمولی، توان دارد و دیگری بیشتر، یکی ماهی دویست هزار تومان حقوق می‌گیرد و دیگری ماهی یک میلیون یا بیشتر آیا این دو نفر زندگی شان یکسان خواهد بود؟ و بین این دو خانواده چشم و هم چشمی درست است یا آفت؟ روان‌شناسان می‌گویند برای خودت زندگی کن. یعنی چه؟ بسیاری خانواده‌هایی که در اثر خوب زندگی نکردن، گرفتار مشکلات اقتصادی شده‌اند. زن خانه باید وضعیت مالی و شغلی و روحی شوهر را درک کند. مخصوصاً توان مالی شوهر درک بشود و برابر آن توان، زن مطالبه کند. اگر غیر از این باشد آفت است و مرد خانه باید هر روز دعوا داشته باشد رقابت‌های مخرب اساس همزیستی سالم را در خانواده‌ها تهدید می‌کند و حتی در ازدواج و مبلغ مهریه چنان اثرات سوئی گذاشته است که آمار از دواج نسبت به دختران و پسرانی که بحد از دواج رسیده‌اند روز به روز تنزل می‌کند. و این رقابت‌ها اثر نامطلوب دیگری علاوه بر

مشکلات اقتصادی ایجاد کرده و آن مدّ پرستی و پیرو مدّ بودن است. رقابت و چشم و هم چشمی، مد پرستی را به همراه دارد و مد پرستی، آفت اقتصاد و عفت خانواده‌ها است و عاملی برای اختلاف در خانواده‌ها و حتی به نظر روان شناسان عاملی برای بیماریهای روانی.

آیا بهتر نیست برای خود زندگی کنیم و رقابت‌ها و مقایسه‌ها و مسابقه‌ها در اخلاق و کسب فضیلت بکار بریم تا از این آفت نجات یابیم. مولا علی (ع) می‌فرماید حال که می‌خواهید مسابقه بگذارید در اقامه حدود الهی و امر به معروف و کسب فضائل اخلاقی و تقوی مسابقه بگذارید. این آفت بزرگ رقابتها - مسابقه‌ها - چشم و هم چشمیها بسیار خطرناک و عامل خیلی از ناسازگاریها است که دعا کنیم خداوند متعال خانواده‌ها را از این آفت حفظ فرماید.

۹- بی‌توجهی به ارضاء غریزه جنسی زوجة

اگر گفته شود درصد بالائی از اختلافات همسران از این آفت ناشی می‌شود سخنی به گزاف گفته نشده است. همانگونه که شوهر ارضاء می‌شود همسرش نیز باید ارضاء شده و کم نیستند شوهرانی که فقط به ارضاء خود توجه دارند.

در این حالت زوجة تدریجاً دچار بیماری‌های اعصاب می‌شود و از اولین سؤال متخصصین اعصاب با دقت - از زن بیمار همین است. ثانیاً زن به آن خانه و شوهر علاقمند نیست و عشق و شور زندگی به چنین خانه و شوهری ندارد و زمینه جدائی زود فراهم می‌شود.

و ثالثاً چه بسا آن خانواده گرفتار بی‌عفتی بشود چرا که نیاز جنسی تامین نشده است. و لذا به همه شوهران توصیه می‌شود با دقت باین مسئله بنگرد و اگر مشکلی وجود دارد به پزشک متخصص و مشاور مجرب مراجعه کنند تا آفت کارساز نشود که می‌توان گفت ریشه و اساس اکثر آفت‌های همسران همین است.

۱۰- کم‌رنگی احکام و اخلاقیات اسلامی

رسول اکرم اسلام (ص) در حدیثی یکی از عوامل خوشبختی و برکت خانواده‌ها را فقّه‌هم فی الدین می‌داند یعنی دین‌شناسی، معرفت دینی، پای‌بندی دینی، خانواده‌ای که دین توام با معرفت دارد و دین‌شناس است، زندگی با صفا دارد چرا که اجرای دستورات دینی، زندگی را شیرین می‌کند. در معارف اسلامی زن و شوهر دو طلبکار و دو مدعی نیستند که با هم بگو مگو داشته باشند. دو جهادگرند و دو جهادگر نزاعی ندارند. رسول اکرم اسلام خوب شوهر داری را جهاد در راه خدا می‌داند. و مردی را که برای تأمین معاش عائله از راه حلال تلاش می‌کند آن را هم جهادگر در راه خدا می‌داند بنابراین نه تنها هیچ کدام برای زحمتی که می‌کشند بر دیگری منت نمی‌گذارند

بلکه از یکدیگر ممنونند که باعث شده‌اند به تقرب الهی برسند بنابراین در خانه‌ای که بحث احادیث دینی و اخلاق قرآنی مطرح نیست، در آن خانواده به روی آفات باز است سعی شود شبها (لااقل یک حدیث یک آیه در حد توان در خانواده مطرح شود، فضای خانواده فضای قرآنی و حدیثی شود تا رابطه همسران هم قرآنی گردد. متأسفانه آفت دوری از بحثهای دینی در منازل توسعه دارد. ساعات، شبها که اهل خانه به دور همدن، یا به دیدن فیلم‌های کذایی می‌گذرد یا بحث‌های مادی و زندگی مادی و از اخلاق اسلامی بیگانه، بیاییم با یک حرکت الهی این فضاهای مخرب و آفت‌زا را به فضایی حدیثی تبدیل کنیم تا با اخلاق اسلامی بیشتر انس بگیریم و فضایی آفت‌زدا پیدا کنیم انشاء الله.

۱۱- فقر انس

همه نیازهای انسان مادی نیستند بلکه نیازهایی غیر مادی مثل محبت - عشق - عاطفه و... دارند که عدم ارضا و تامین آنها خساراتی جبران‌ناپذیر دارند. حتی در کودکان، مثلاً اگر همه نیازهای مادی کودکی در منزل تامین شود، ولی نیازهای عاطفی و روانی او را فراموش کنیم، این کودک چون در منزل امنیت روانی ندارد از نظر تربیت ممکن است نابهنجار بشود. خانواده هم چنین است. همسر غیر از نیازهای مادی و غریزی، نیازهای عاطفی هم دارد. از جمله نیاز شدید به انس با همسر است. در خانواده‌ای که این نیاز مورد توجه نباشد عشق و صفا کمرنگ می‌شود و گاهی موجبات ناسازگاری را فراهم می‌سازد شوهران دائم السفر و یا آنهایی که ایام فراغت خود را ترجیح می‌دهند که غالباً خارج از خانواده و انس با آنها بگذرانند و زن و بچه را از محفل انس خودمانی محروم می‌کند اشتباه می‌کنند و باید بپذیرند رفاه مادی، جای این کمبود عاطفی را نمی‌گیرد و زن و بچه بخصوص همسر، روحاً احساس کمبود دارد.

بنابراین شوهران حتی اهل علم و افرادی که به خدمات اجتماعی اشتغال دارند باین مسئله باید توجه داشته باشند و بپذیرند که زن و بچه هم، در مورد انس حقی و نیازی دارند و همین انس نتیجه دیگری دارد که مرد خانه را از حوادث تربیتی خانواده با خیر می‌سازد و از مسائل خانواده بیگانه نمی‌شود که خسارتی جبران‌ناپذیر دارد.

شوهران در این مسئله به سه گروه تقسیم می‌شوند.

الف - گروهی که ساعات فراغت و تعطیلی خود را با دوستان و فعالیت‌های خوب یا بد خارج از خانواده می‌گذرانند و همیشه خانواده را در خماری انس قرار می‌دهند و این افراد با خانواده خویش روابطی صمیمانه و عاطفی نخواهند داشت مگر بعضی همسران فداکار و با تحمل.

ب - دسته دوم شوهرانی هستند که از اوقات فراغت سهمی هم برای خانواده قائل اند اما در جمع خانواده حضور فیزیکی دارند نه عاطفی و مطالعه روزنامه، نگاه فیلم و... و باز هم زن و بچه با فقر انس عاطفی روبرو هستند و به قول یکی از همسران، زن که از شوهرش دل پری داشت می‌گفت بودن و نبودنش در خانه، برای من و بچه‌هایم فرقی نمی‌کند حضور جسمی و فیزیکی دارد اما از نظر روانی و عاطفی غایب است.

ج - گروه سوم شوهرانی می‌باشند که این نیاز مهم خانواده را درک می‌کنند و برنامه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند و از هر فرصتی چنان عاقلانه استفاده می‌کنند تا با خانواده خویش محفل انس برقرار سازند و ساعتی در شبانه‌روز در کنار هم باشند و فارغ از هر مسئله تنش‌آور و اختلاف برانگیز به تحبیب قلوب و وفاق پردازند و هم سرپرست خانواده از مشکلات تربیتی و روحی آنها با خبر شود.

چنین شوهرانی زندگی صمیمانه‌ای خواهند داشت و چه زیبا و خدا پسندانه است که همه شوهران از اوقات فراغت استفاده کنند و در شبانه روز ساعتی با خانواده خویش محفل انسی برقرار سازند و بپذیرند این یک نیاز است که در وفاق و سازگاری خانواده و ایجاد روح صمیمیت و همکاری و شناخت کاستی‌ها و مشکلات تربیتی خانواده تاثیر بسزایی دارد و نمی‌گذارد (آفت فقر انس) سلامتی اخلاقی و عاطفی خانواده را از ما بگیرد و از هم بیگانه شویم.

۱۲ - عدم دقت در کنترل معاشرتها و انتخاب همشینیان

انسان موجودی اجتماعی و مدنی با الطبع است و جدائی از جامعه و ترک معاشرت یا نشانه بیماری روانی افسردگی و سایر حالات نامتعادل روانی است و یا انسان سالم را باین بیماریها تدریجاً مبتلا می‌سازد. روان شناسان عدم توانائی در ارتباط جسمی را نشانه عدم بهداشت روانی می‌دانند تا اینجا نیاز به معاشرت و مصاحبت نیاز طبیعی است اما آنچه که مهم است نوع گزینش و انتخاب همشینیان و مصاحبان است. با چه کسی و خانواده‌ای معاشرت کنیم و چگونه معاشرتی داشته باشیم گل خانواده‌مان را کنار گل بگذاریم یا در جوار زبالدانی متعفن؟ تاثیر مثبت و یا منفی همشینی چیزی نیست که قابل تردید باشد و در قرآن مجید در دو آیه هشدار داده است در سوره فرقان آیه ۲۷ می‌فرماید: روز قیامت گروهی می‌گویند ای وای بر ما کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودیم او بود که ما را به گمراهی کشاند پس از آنکه قرآن به ما رسیده بود. و در آیه ۶۷ سوره زخرف نتیجه این بی‌توجهی در انتخاب همشینی را بیان می‌فرماید: در روز قیامت، یاران و دوستان غیر از پرهیزکاران بعضی دشمن دیگر می‌شوند.

یعنی نتیجه منطقی همنشینی و مصاحبت‌های ناسالم خسران دنیا و آخرت است و در احادیث اهل بیت (ع) هم احادیث فراوانی وجود دارد و تاکید و توجه شده بهر دستی دوستی ندهید و صفات افرادی که نباید با آنها همنشین شد بیان گردیده است تا جایی که رسول اکرم (ص) می‌فرمود:

ارزش مرد وابسته به دین دوست او است باید بنگرد که با چه کسی دوستی دارد (آثار الصادقین، ص ۵۱۴) چه بسیار خانواده‌های سالم و با صفاتی که در اثر معاشرت با خانواده‌های ناسالم و عادی از فضائل اخلاقی با مشکلاتی ویرانگر روبه‌رو شده‌اند و مخصوصاً امروزه که در بسیاری از خانواده‌ها تجمل‌گرایی، و پول‌پرستی، و ضعف فضائل اخلاقی دیده می‌شود و اسارت زرق و برق دنیا رونقی بسزا دارد، انتخاب همنشین و رفت و آمدهای خانوادگی دقت و هشیاری بیشتری را می‌طلبد و دین و عقل، حکم می‌کند که این هشیاری را داشته باشیم وگرنه گرفتار آفت همنشینی سوء خواهیم شد چه زیبا سعدی گفته:

| | |
|----------------------------|----------------------------|
| رسید از دست محبوبی بدستم | گیلی خوشبو در حمام روزی |
| که از بوی دل آویز تو مستم | بدو گفتم که مشکمی یا عبیری |
| ولیکن مدتی با گُل نشستم | بگفتا من گیلی نا چیز بودم |
| وگرنه من همان خاکم که هستم | کمال همنشین در من اثر کرد |

۱۳- تکیه بر حقوق قانونی نه اخلاقی

اصل مسلم این است هر کجا وظیفه‌ای باشد حقی هم وجود خواهد داشت و زوجین همانگونه که نسبت به یکدیگر وظایفی دارند حقوقی هم خواهند داشت.

این حقوق دو دست، هستند قانونی و اخلاقی، حقوق قانونی آنهایی هستند که در محاکم قابل طرح و استیفا و مطالبه می‌باشند. مانند حق نفقه زن بر عهده شوهر و حق کنترل معقول شوهر در بیرون رفتن زن از منزل، و سایر حقوق.

اما بین زوجین حقوقی اخلاقی وجود دارند که ظرافت و ن ظافت و صمیمیت زندگی را به بار می‌آورند ولی قابل طرح و حدودشناسی نیستند. مثلاً زوجین باید همدیگر را دوست داشته باشند. اگر نداشتند تشخیص آن چگونه است؟ زوجین نیاز به ایثار و عشق همدیگر دارند اثبات و یا نفی آن بچه وسیله قانونی ممکن است؟

قرآن مجید بعد از طرح ازدواج می‌فرماید: لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة.

زوجین باید در کنار هم بیارمند و خداوند بین آنها مودت و رحمت قرار داده است. این امور قلبی را با چه ماده و قانونی می‌توان درک کرد. اگر شوهر زیرک به ظاهر اظهار دوستی کرد اما با نیش‌ها و رفتارهای ماهرانه، همسر خود را آزار داد به نحوی که قابل اثبات نباشد چه باید کرد؟ اگر زنی با لجبازیها و بد خلقی‌ها و بی‌توجهی به سالم‌سازی بستر خانواده برای آرامش شوهر و یاد ر بی‌اعتنائی به مسائل محرمانه، شوهر را در فشار روحی قرار داد راه اثبات کدام است و شاهد کجا است و کیست؟

آنچه که زندگی را با صفا می‌کند توجه به حقوق اخلاقی است. البته این بدان معنا نیست که حقوق قانونی کنار زده شود. هرگز بلکه منظور این است که حقوق اخلاقی و عشق درون، فدای ماده و تبصره‌ی قانونی نشود. تازه اگر حقوق اخلاقی تحقق پذیرد حقوق قانونی بین همسران با عشق و علاقه رعایت می‌شود مثلاً اگر شوهری از نظر اخلاقی به همسرش علاقه داشت نفقه او را به بهترین وجهی تامین می‌کند و هرگاه زنی شوهرش را دوست داشت در انجام حقوقی قانونی که شوهرش بر او دارد با عشق و علاقه می‌کوشد.

اصولاً در زندگی خانوادگی ریزه کاری‌ها و لطافت‌ها و ظرافت‌های رفتاری وجود دارد و رخ می‌دهد که در قانون نمی‌گنجد و نمی‌شود گنجانند و میدانیم طبیعت قانون کلی گوئی است و دوربین قانون، این ریزه کاری‌ها را نمی‌بیند و عوامل ماندگاری زندگی خانوادگی تحقق همین ریزه کاری‌ها است که متفکرین آنرا (هنر همسر داری) می‌گویند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی